

چندی است که کشورهای مرتجع عربی حومه خلیج‌فارس برای عادی‌سازی و حتی بهبود روابط با رژیم صهونیستی لحظه شماری می‌کنند. این کشورها از هر فرصتی برای نشان دادن‌اشتیاق خود برای نزدیکی به تل‌آویو استفاده می‌کنند و این کار را به صورت علنی و آشکار انجام می‌دهند. اگر در گذشته این روابط مخفی و به دور از چشم رسانه‌ها صورت می‌گرفت اما امروز، اعراب از علنی کردن روابط خود با رژیم اسرائیل واهمهای ندارند و به آن افتخار هم می‌کنند. این حقیقت تلخ و غیر قابل باور به غیر از شیخ‌نشین‌های حاشیه خلیج‌فارس، کشورهای زیادی را شامل می‌شود به نحوی که چندی پیش مشاور سابق دولت عربستان و مدیر مرکز پژوهش‌های راهبردی و حقوقی در جده اعتراف کرد که ۲۲ کشور عربی برای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی با یکدیگر رقابت می‌کنند و منتظر چراغ سببز تل‌آویو هستند. نمونه‌هایی از این دست برای نشان دادن تمایل اعراب برای برقراری رابطه با این رژیم و عادی‌سازی مناسبات، بسیار زیاد است. دیدار و گفت‌وگوی مکرر مقامات عربستانی با سران صهیونیست از جمله گفت‌وینوشدی که از سوی مرکز مطالعات خاور دور واشنگتن بین شاهزاده «کرکی الفیصل» رئیس اسبق سازمان اطلاعات عربستان سعودی و ژنرال «یعقوب عمیدور» مشاور سابق امنیت داخلی رژیم صهیونیستی در واشنگتن برگزار شد، یکی از این نمونه‌هاست. در این مناظره ژنرال اسرائیلی به صراحت از عرب‌ها خواست تا مسئله فلسطین را فراموش کنند و آن را لازمه همکاری با رژیم صهیونیستی عنوان کرد. وی همچنین همکاری بین تل‌آویو و کشورهای عرب را ضرورتی برای مقابله با نفوذ ایران در منطقه ارزیابی کرد و گفت، در صورتی که صلح و سازش بین کشورهای عربی و اسرائیل محقق شود، با خطر نفوذ ایران در منطقه مقابله خواهد شد. شاهزاده ترکی الفیصل نیز در این مناظره چیزی کمتر از مقام صهیونیستی مایه نگذاشت و حتی برای خشنود کردن صهیونیست‌ها، به آنان وعده داد که با اندیشه عربی و اموال یهودی می‌توانیم دوشادوش هم به پیش روییم و در عرصه‌های مختلف به موفقیت برسیم.

«نور عشقی» ژنرال بازنشسته سعودی نیز از دیگر مقامات سعودی است که بااشتیاق، آمادگی خود برای گفت‌وگو با صهیونیست‌ها را اعلام و سفر محرمانه‌ای هم به تل‌آویو داشت و با سران صهیونیستی در مسیر عادی سازی روابط با اسرائیل دیدار و گفت‌وگو کرد. بر طبق اسنادی که «ویکی‌لیکس» در باره عادی‌سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی منتشر کرده، روند نزدیکی تل‌آویو و ریاض به سال‌های میانی دهه ۹۰ برمی‌گردد که عربستان برخی از شرکت‌های مرتبط با اسرائیل را از فهرست تحریم‌های خود خارج کرد. نزدیکی میان رژیم صهیونیستی و عربستان در سال ۲۰۰۲ و از ارائه طرح صلحی در مورد مسئله فلسطین با سویی رطب قوت گرفت و در سال ۲۰۰۵ نیز با برداشته‌شدن تحریم‌ها این روند همچنان رو به رشد بود. «هنتر داکان»، رئیس اسبق موباد نیز در سال ۲۰۱۰ میلادی برای انجام مذاکراتی مخفی درباره برنامه هسته‌ای ایران به عربستان سفر کرد. اما طبق اسناد ویکی لیکس، نقطه

عطف روابط دو رژیم، سفر «محمد بن سلمان» ولیعهد رژیم سعودی به فلسطین اشغالی است که مهم‌ترین قدم در چارچوب روابط مخفی و نیمه پنهان دو رژیم به شمار می‌رود. زمانی که محمد بن سلمان در خرداد ماه سال جاری با کودتسا، «محمد بن نایف» را از ولیعهدی خلع کرد، آمریکا به سرعت آن را تایید کرد. این مسئله نشان از نوعی زدو بند سیاسی بین بن‌سلمان و «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا داشت چرا که محمد بن نایف سال‌ها به عنوان گزینه نخست آمریکا برای پادشاهی به شمار رفت و قطع حمایت آمریکا از وی، نشان دهنده نوعی معامله بین ریاض و واشنگتن بود. معامله‌ای که البته، هزینه‌های سنگین آن، روی دوش مردم عربستان سنگینی خواهد کرد. به نظر می‌رسد که ترامپ حمایت خود از کودتای بن سلمان را به تسریع روند شناسایی رژیم صهیونیستی از سوی بن سلمان مشروط کرده است. به همین دلیل، ریاض به عنوان محور ارتجاع عرب، روی تقویت مناسبات این کشورها و رژیم صهیونیستی، متمرکز خواهد شد. جالب توجه اینست که محافل

دریچه‌ای به جهان khareji@kayhan.ir



بازی ترامپ با جاه‌طلبی ولیعهد عربستان «پیوند اعراب و اسرائیل» مأموریت بن‌سلمان

زهره عباسی

رژیم صهیونیستی هم که جای ویژه خود را دارد و به همین دلیل، از خود تمایل و اشتیاق زیادی نشان می‌دهند و این تمایلات را کلید زوای مستقیم با جهان عرب می‌دانند. شعار صهیونیست‌ها این است که ریاض و تل‌آویو با هم می‌توانند خاورمیانه بهتری بسازند. بحرین کشور دیگری است که در مسابقه عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی گوی سبقت را از سایر کشورهای عربی ربوده است. این اشتیاق چنان است که رژیم صهیونیستی، چندین هیئت به بحرین اعزام کرد، گسه از جمله آنها، یک هیئت ورزشی صهیونیستی بود. این هیئت در نشست‌های مجمع عمومی فدراسیون بین‌المللی فوتبال در منامه، حضور یافت که با خشم گسترده بحرینی‌ها مواجه شد. در دی ماه گذشته نیز هیئتی ازخاک‌های یهودی جنبش «حیاد» که یکی از افراطی‌ترین و متعصب‌ترین جنبش‌های یهودی - صهیونیستی علیه اعراب به شمار می‌رود و مقر آن در شهر نیویورک آمریکا است که بحرین سفر کرد و اعضای این هیئت در مراسمی با حضور مقامات رژیم آل خلیفه، به وقص و پایکوبی پرداختند. روابط مصر



زمانی‌که «محمد بن‌سلمان» در خردادماه گذشته با کودتا «محمد بن نایف» را از ولیعهدی خلع کرد و خودش ولیعهد شد، آمریکا به سرعت، این اقدام را تایید کرد. این اتفاق نشان داد که بین بن‌سلمان و «دونالد ترامپ» معامله صورت گرفته است.

شک و تردیدهایی عنوان نموده‌اند لیکن بر کسی پوشیده نیست که توافق آشتی ملی فتح و حماس دستاوردی تاریخی و گامی مهم در جهت پایان دادن به اختلافات داخلی فلسطین است. در قوانین بین‌المللی و حقوق بین‌الملل چه به صورت عرفی و چه قراردادی هر گاه توافقی صورت می‌گیرد و معاهداتی به امضا می‌رسد تا مرحله اجرای نشیند و مانند توافقات قبلی نست و شکننده نباشد. این توافقنامه جنبش حماساس کلیه امور غزه و از جمله مسائل امنیتی این منطقه را به فتح سپرده و محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین نمی‌تواند مانند قبل به دستگیری‌ها و بازداشت‌های بی‌رویه مبارزان فلسطینی بپردازد. چالش دیگر چونرنگی روند انتخابات دموکراتیک در منطقه غزه و کرانه باختری است که مسلمان مشکلات زیادی را به وجود خواهد آورد. نگرش جنبش‌های فلسطینی درباره دموکراتیزه شدن نهادهای مدنی و سیاسی و نحوه استعمار سیستم دموکراسی در این منطقه مسلمانا اختلاف‌نظرهای زیادی با یکدیگر دارد به خصوص اینکه رژیم صهیونیستی به راحتی اجازه نخواهد داد پایه‌های حکومت دموکراسی و آزادی و استقلال در مناطق فلسطینی مستقر شود و بالاخره مهم‌ترین عامل مسئله سلاح حماس است.

شک و تردیدهایی عنوان نموده‌اند لیکن بر کسی پوشیده نیست که توافق آشتی ملی فتح و حماس دستاوردی تاریخی و گامی مهم در جهت پایان دادن به اختلافات داخلی فلسطین است. در قوانین بین‌المللی و حقوق بین‌الملل چه به صورت عرفی و چه قراردادی هر گاه توافقی صورت می‌گیرد و معاهداتی به امضا می‌رسد تا مرحله اجرای نشیند و مانند توافقات قبلی نست و شکننده نباشد. این توافقنامه جنبش حماساس کلیه امور غزه و از جمله مسائل امنیتی این منطقه را به فتح سپرده و محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین نمی‌تواند مانند قبل به دستگیری‌ها و بازداشت‌های بی‌رویه مبارزان فلسطینی بپردازد. چالش دیگر چونرنگی روند انتخابات دموکراتیک در منطقه غزه و کرانه باختری است که مسلمانا مشکلات زیادی را به وجود خواهد آورد. نگرش جنبش‌های فلسطینی درباره دموکراتیزه شدن نهادهای مدنی و سیاسی و نحوه استعمار سیستم دموکراسی در این منطقه مسلمانا اختلاف‌نظرهای زیادی با یکدیگر دارد به خصوص اینکه رژیم صهیونیستی به راحتی اجازه نخواهد داد پایه‌های حکومت دموکراسی و آزادی و استقلال در مناطق فلسطینی مستقر شود و بالاخره مهم‌ترین عامل مسئله سلاح حماس است.

قدرت مردم فلسطین به شمار می‌آید. حماس چنین استدلال می‌کند که دشمن صهیونیستی هیچ زبانی جز زبان سلاح نمی‌شناسد و تا زمانی که خاک فلسطین دراشغال اسرائیل است حماس از حق مقاومت عقب‌نشینی نخواهد کرد. این در حالی است که محمود عباس در قاهره مخالفت خود را با سلاح حماس اعلام و تاکید کرده بود که هرگز سلاحی خارج از دایره قدرت خود را نخواهد پذیرفت.

در هر دو رقیب درصودت، گام‌های جدی را برای تشکیل دولت آشتی ملی در سرزمین‌های فلسطینی برداشته‌اند و دیگر شرایطی برای بازگشت به عقب وجود ندارد و طرفین باید تلاش کنند تا بارقه‌های امید و آرزو را که در دل فلسطینی‌روشن شده همچنان روشن نگه دارند و به منافع و رنج‌هایی که محاصره ظالمانه ۱۰ ساله برای آنان به وجود آورده پایان دهند.

اما، نکته مهم این است که هر یک از طرف‌های متاخره‌کننده و حجابیان این مذاکره امیدها و اهداف خود را در سر دارند و این مسئله، احتمالاً روند مذاکرات جاری را تحت تأثیر قرار خواهد داد و ممکن است موجب چالش و اصطکاک میان حماس و طرف‌های دیگر شود.

منبع: خبرگزاری قدس

شک و تردیدهایی عنوان نموده‌اند لیکن بر کسی پوشیده نیست که توافق آشتی ملی فتح و حماس دستاوردی تاریخی و گامی مهم در جهت پایان دادن به اختلافات داخلی فلسطین است.

در قوانین بین‌المللی و حقوق بین‌الملل چه به صورت عرفی و چه قراردادی هر گاه توافقی صورت می‌گیرد و معاهداتی به امضا می‌رسد تا مرحله اجرای نشیند و مانند توافقات قبلی نست و شکننده نباشد. این توافقنامه جنبش حماساس کلیه امور غزه و از جمله مسائل امنیتی این منطقه را به فتح سپرده و محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین نمی‌تواند مانند قبل به دستگیری‌ها و بازداشت‌های بی‌رویه مبارزان فلسطینی بپردازد. چالش دیگر چونرنگی روند انتخابات دموکراتیک در منطقه غزه و کرانه باختری است که مسلمانا مشکلات زیادی را به وجود خواهد آورد. نگرش جنبش‌های فلسطینی درباره دموکراتیزه شدن نهادهای مدنی و سیاسی و نحوه استعمار سیستم دموکراسی در این منطقه مسلمانا اختلاف‌نظرهای زیادی با یکدیگر دارد به خصوص اینکه رژیم صهیونیستی به راحتی اجازه نخواهد داد پایه‌های حکومت دموکراسی و آزادی و استقلال در مناطق فلسطینی مستقر شود و بالاخره مهم‌ترین عامل مسئله سلاح حماس است.

شک و تردیدهایی عنوان نموده‌اند لیکن بر کسی پوشیده نیست که توافق آشتی ملی فتح و حماس دستاوردی تاریخی و گامی مهم در جهت پایان دادن به اختلافات داخلی فلسطین است. در قوانین بین‌المللی و حقوق بین‌الملل چه به صورت عرفی و چه قراردادی هر گاه توافقی صورت می‌گیرد و معاهداتی به امضا می‌رسد تا مرحله اجرای نشیند و مانند توافقات قبلی نست و شکننده نباشد. این توافقنامه جنبش حماساس کلیه امور غزه و از جمله مسائل امنیتی این منطقه را به فتح سپرده و محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین نمی‌تواند مانند قبل به دستگیری‌ها و بازداشت‌های بی‌رویه مبارزان فلسطینی بپردازد. چالش دیگر چونرنگی روند انتخابات دموکراتیک در منطقه غزه و کرانه باختری است که مسلمانا مشکلات زیادی را به وجود خواهد آورد. نگرش جنبش‌های فلسطینی درباره دموکراتیزه شدن نهادهای مدنی و سیاسی و نحوه استعمار سیستم دموکراسی در این منطقه مسلمانا اختلاف‌نظرهای زیادی با یکدیگر دارد به خصوص اینکه رژیم صهیونیستی به راحتی اجازه نخواهد داد پایه‌های حکومت دموکراسی و آزادی و استقلال در مناطق فلسطینی مستقر شود و بالاخره مهم‌ترین عامل مسئله سلاح حماس است.

قدرت مردم فلسطین به شمار می‌آید. حماس چنین استدلال می‌کند که دشمن صهیونیستی هیچ زبانی جز زبان سلاح نمی‌شناسد و تا زمانی که خاک فلسطین دراشغال اسرائیل است حماس از حق مقاومت عقب‌نشینی نخواهد کرد. این در حالی است که محمود عباس در قاهره مخالفت خود را با سلاح حماس اعلام و تاکید کرده بود که هرگز سلاحی خارج از دایره قدرت خود را نخواهد پذیرفت.

در هر دو رقیب درصودت، گام‌های جدی را برای تشکیل دولت آشتی ملی در سرزمین‌های فلسطینی برداشته‌اند و دیگر شرایطی برای بازگشت به عقب وجود ندارد و طرفین باید تلاش کنند تا بارقه‌های امید و آرزو را که در دل فلسطینی‌روشن شده همچنان روشن نگه دارند و به منافع و رنج‌هایی که محاصره ظالمانه ۱۰ ساله برای آنان به وجود آورده پایان دهند.

منبع: خبرگزاری قدس



آشتی فتح و حماس

و امیدهای متفاوت فلسطینی – صهیونیستی

دلیل ترجیح می‌دهند دودستگی و اختلاف در صوف فلسطینی‌ها حاکم باشد تا تشکیلات خودگردان در سایه این ضعف داخلی مجبور به پذیرش طرح آمریکا شود. اما تحلیلگران منطقه معتقدند به‌رغم موافقت آمریکا و اسرائیل با طرح آشتی ملی، اهداف و مقاصد پشت‌پرده‌ای وجود دارد که این دو جنبش را به توافق ترقیب می‌نمایند. واقعیت این است که حضور حماس در غزه به یک معطل بزرگ امنیتی برای صهیونیست‌ها تبدیل شده است و ۱۰ سال محاصره ظالمانه غزه و تریسب دادن جنگ‌های متعدد علیه مردم مظلوم این منطقه نتوانسته آنان را مقاومت باز دارد.

جنگ‌های متعدد و از بین بردن زیرساخت‌های واصلراهی‌ها در مذاکرات با تشکیلات خودگردان و اصرارهای فراوان آمریکا برای سازش طرفین، باعث شدند ایومازن به سمت هماهنگی بیشتر با غزه گام بردارد. علاوه بر آن، به هم ریختگی اوضاع امنیتی و ثباتی در منطقه، موجب شده که هر طرف قبل از هر چیز، در اندیشه بهبود وضعیت داخلی خودش باشد. دو طرف اصلی این پرونده به‌ظاهر جنبش‌های فلسطینی حماس و فتح هستند، اما همگان می‌دانند که جنبش فتح بدون چراغ سبز آمریکا و صهیونیست‌ها، به سمت آشتی ملی نمی‌آمد. آمریکایی‌ها اجازه نخواهند داد بدون تأمین نظرشان این پرونده شکل بگیرد به همین

بوندن از جمله توافقات و نشست‌هایی همچون مکه ۲۰۰۷، صنعاً ۲۰۰۸، قاهره ۲۰۱۱، دوحه ۲۰۱۲، قاهره ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ میان دو گروه صورت گرفته است اما هر بار به دلیل اختلافات اساسی راه به جایی نبرده است. ذکر این نکته ضروری است که اختلافات جزئی میان گروه‌های فلسطینی بسیار است اما اختلافات اصلی همچون آرمان فلسطین و موافقت‌نامه اسلو از موارد اصلی اختلافات گروه‌های

فلسطینی سرزمین مقدسی است که برای مسلمانان ارزش ویژه‌ای دارد و این ویژگی به خاطر قدس عزیز است. قدس، بعد از کعبه و مسجدالنبی، سومین مکان مقدس برای مسلمانان به حساب می‌آید و این اهمیت بعد از اشغال این سرزمین مقدس در سال ۱۹۴۸ توسط رژیم اشغالگر صهیونیستی بیشتر هم شد، چرا که مردم فلسطینی مظلوم‌ترین ملت‌های جهان هستند که سرزمین مادری‌شان توسط متجاوزین اسرائیلی غصب شده است. این دست و دلبازی‌ها با حمایت آمریکا و کشورهای غربی انجام شد و در یک پروسه زمانی محدود، بسیاری از کشورهای منطقه، و رژیم‌های مرتجع عربی، سیاست‌های تجاؤزکارانه اسرائیل را پذیرفتند و با آن همراه و هماهنگ شدند و مسئله فلسطین، اشغال این سرزمین و آوارگی میلیون‌ها نفر از مردم فلسطین به فراموشی و بی‌تفاوتی سپرده شد. در این میان جنبش‌ها و گروه‌های فلسطینی با گرگندگی و به صحنه مبارزه آمدند تا با اتخاذ منشی سیاسی و نظامی تلاش کنند حقوق مردم مظلوم فلسطین را از دشمنان پس بگیرند و این سرزمین اسلامی که متعلق به همه مسلمانان جهان است را آزاد کنند. امروز شکست صهیونیست‌ها در فلسطین‌اشغالی مسئله‌ای قابل تحقق است که عقب‌نشینی اسرائیل از جنوب لبنان و نوار غزه این موضوع را ثابت می‌کند، اما آنچه که تاکنون باعث این پزپروزی‌ها شده، اتحاد ملت فلسطین و وحدت گروه‌های مبارز فلسطینی حتی در زمان‌های مشخص و محدود است، اتحادی که باید فراگیر شود و ریشه اختلافات داخلی را بخشکند. چرا که عدم شکاف و عدم توافق، رژیم صهیونیستی را شکست‌ناپذیر می‌کند.

تلاش به شکل‌گیری دو جنبش فلسطینی فتح و حماس نشان می‌دهد که این دو جنبش از همان ابتدای شکل‌گیری، با یکدیگر بر سر چگونگی مبارزه با رژیم صهیونیستی اختلاف داشتند فتح به ریاست محمود عباس به مذاکره و راه‌های سیاسی با رژیم صهیونیستی اعتقاد داشته در حالی که جنبش مقاومت اسلامی فلسطین «حماس» اعتقادی به مذاکره و گفت‌وگو با اسرائیل نداشته و خط مشی مسلمانانه را تنها راه مقابله با اسرائیل می‌داند. در گیسرودار همین اختلافات طرفین در سال ۲۰۰۶ انتخابات پارلمانی برگزار کردند و در پی آن، اکثر کرسی‌های پارلمان در اختیار حماس قرار گرفت. با این حال، تشکیلات خودگردان به ریاست «محمود عباس» هرگز حاضر نشد دولت «اسماعیل هنیه» به ریاست صهیونیستی و وحدت این جنبش‌ها بستگی داشته باشد. در این سال‌ها تلاش‌های فراوانی از جانب بازیگران منطقه‌ای و فرامطفقه‌ای برای آشتی این دو گروه صورت گرفت، ولی به دلایل مختلف به نتیجه نرسید. اما با آغاز تحولات اخیر منطقه‌ای از جمله تغییرات در مصر و بروز نا آرامی در سوریه و سرانجام